

شجاعی حتی در اسفند 93 این مسأله را در برنامه نود مطرح و از مردم خواست در فرستادن کودکان و نوجوانان خود به مدارس فوتبال احتیاط کنند. یک سال قبل از آن، یکی از مربیان در همان برنامه نود از دادن آبمیوه بیهوش کننده به کودکان در برخی مدارس فوتبال و فیلم گرفتن از تجاوز برای فشار بعدی بر قربانیان خبر داده بود

یادداشت محمد مطهری در دفاع از مسعود شجاعی؛



حجت الاسلام والمسلمین محمد مطهری فرزند آیت الله مرتضی مطهری در پی حواشی بوجود آمده پیرامون اظهارات مسعود شجاعی در خصوص وجود فساد در فوتبال طی نگارش مطلبی نوشت:

پرد اول

مسعود شجاعی و ناصر فریاد شیران سالهاست از تعرض جنسی به کودکان در مدارس فوتبال، از جمله در برخی باشگاه های بزرگ خبر می دهند و بارها مطبوعات ورزشی و غیر ورزشی درباره آن نوشته اند.

شجاعی حتی در اسفند 93 این مسأله را در برنامه نود با میلیونها بیننده مطرح کرد و از مردم خواست در فرستادن کودکان و نوجوانان خود به مدارس فوتبال احتیاط کنند. یک سال قبل از آن، یکی از مربیان در همان برنامه نود از دادن آبمیوه بیهوش کننده به کودکان در برخی مدارس فوتبال و فیلم گرفتن از تجاوز برای فشار بعدی بر قربانیان خبر داده بود. اما دریغ از یک پیگیری جدی قضایی برای کشف حقیقت مطلب و مجازات مجرمین احتمالی، و یا اشاره ای در سخنان مسئولان کشور به این مسأله مهم و یا کنایه ای در تریبونهای نماز جمعه.

شجاعی که باید در آن زمان و اکنون مورد تقدیر قرار گیرد که چشم خود را بر منافع مادی بسته و از آبروی خود مایه گذاشته، امروز تحت فشار است که چرا با یک خبرنگار بر فرض ضداقلاب مصاحبه کرده است.

اف بر دنیایی که در آن از تعرض به کودک و نوجوان ککشان نمی گرد اما از اینکه مصاحبه کننده چنین و چنان بوده آتش می گیرند.

پرد دوم

هفته گذشته در انگلیس که وضعیت روابط جنسی در آن بی نیاز از توضیح است و ادعای دین و تقدس هم ندارد، شبیه همین مسأله یعنی تعرض به کودکان در باشگاهها، آن هم مربوط به دهه ها قبل، مطرح شد.

این خبر مانند زلزله کشور را تکان داد؛ تیتراژ روزنامه ها شد و به شدت مورد پیگیری قرار گرفت. بلافاصله خط تلفن ویژه ای اختصاص داده شد و صدها قربانی به سرعت شناسایی شدند و البته مقامات مربوطه نگفتند؛ آنکه از شکایت علنی بیشتر ضرر می کند قربانی است نه متهم، بلکه راه را برای شکایت محرومانه قربانیان بیشتر، فراهم کردند.

بی پرده

به راستی چرا در ایران، مسئولان - که روشن است مقصود تنها برخی از آنان است - چنین کم توجه از موضوعات و معضلات

بسیار مهم اجتماعی می گذرند؟ نه در نطق های مهم و رسمی به آن اشاره می شود، نه رسانه ملی خود را موظف به پیگیری می بیند و نه خبری از پیگیری و مجازات داده می شود.

به نظر می رسد که سالهای سال است سه مسأله - صرف نظر از میزان اهمیت آنها - چنان ذهن مسئولان و فضای رسانه را تسخیر کرده است که آنچه به این سه امر و متعلقاتش مربوط نباشد اهتمام چندانی به آن نمی شود. لذا در مورد معضلات متعدد از زمین خواری، کودک آزاری، تلفات جاده ای، تجاوز و آدم ربایی گرفته تا ترافیک، آلودگی هوا، زورگیری، اختلاس، اعتیاد، سرقت مسلحانه، فسادهای اخلاقی، قاچاق و .. اوضاع کشور ما همین است که هست و البته عده ای دلسوز به صورت جزیره ای فعالیت می کنند و دستگاهها هم دائما از عدم همکاری یکدیگر شکایت دارند.

اما آن سه مسأله که مشغولیت ذهنی شدید مسئولان به آنها در وضعیت اسف بار کنونی معضلات اجتماعی نقش مهمی دارد کدامند؟

1. اولین مسأله امریکا است. مسأله ای که به هر نحو یک طرفش به امریکا مربوط باشد سخت مورد توجه مسئولان و رسانه ملی ماست و تا آخر پیگیری می شود و حتی افراد نامرتب هم مرتباً اظهار نظر می کنند. اگر روزی گزارشی از همین مسأله «تعرض به کودکان در ایران» از شبکه سی ان ان پخش شود چون به نحوی به امریکا مرتبط شده است و باید روی امریکا کم شود، فوراً در کانون توجه قرار می گیرد.

2. مسأله دوم انتخابات است که با پیش و پس خود، لاف دو سال بخش مهمی از فکر مسئولان را به خود مشغول می کند و قربانی اصلی در این کارزار بعضاً بیرحمانه جناحی، معمولاً منافع ملی است.

3. مسأله سوم پاسخ دادن به منتقدین منصف و غیر منصف خود، دستگاه زیر نظر خود و یا جناح خود است. در این مورد حتی گاهی کامنتها در سایتها به دقت رصد شده و به سرعت برخورد لازم و گاهی بیش از حد لازم صورت می گیرد تا درس عبرتی برای دیگران باشد.

وقتی ذهنها عمدتاً به امور سه گانه فوق مشغول است و در امور دیگر خبری از بازخواست جدی نیست، راز این مطلب خود به خود روشن می شود که چرا مواد مخدر صنعتی وحشتناک مثل شیشه از سال 81 به دست جوانان می رسد ولی قانونش 89 سال تصویب می شود؛ چرا بیست ماه عده ای کارگر بی حقوق می مانند و فریادشان به جایی نمی رسد؛ چرا مخوفترین شبکه گروگانگیری در قلب کشور در جاده های اصفهان دو ماه پیش کشف می شود و برخی مسئولان مربوطه اساساً از اصل خبر بی اطلاعند چه رسد به اینکه واکنشی نشان دهند. از اینجا همچنین ارتباط تیر به ظاهر نامربوط این نوشته با تعرض به کودکان روشن می شود. در کشوری که تا یک موضوع به یکی از سه عنوان «امریکا»، «انتخابات» و یا «نقد مسئولان» مربوط نباشد توجه لازم به آن نمی شود یا چه روشی می توان توجه برخی مسئولان و رسانه ملی کشور را به فاجعه ای مانند اخبار تعرض به کودکان در مدارس فوتبال جلب کرد؟

گمان می کنید اگر می نوشتیم «به شایعه تجاوز در مدارس فوتبال رسیدگی کنید» این دسته از مسئولان آن را می خواندند؟ با اطمینان می گویم: خیر.

در وانفسای پرتاب اتهامات باید تأکید کنم که افتتاح مک دونالد در کشور به ویژه در شرایط کنونی هیچ توجیهی ندارد، نه قبل و نه بعد از انتخابات. در عین حال دل خود را به اینکه دست شرکتهایی مثل مک دونالد را از کشور قطع کرده ایم چندان خوش نکنیم. وقتی در یک کشور غربی مسئولان نسبت به تعرضات جنسی به کودکان و برخی معضلات مهم مردم، بسیار شدیدتر از مسئولان ایرانی حساسیت نشان می دهند این امر دل بسیاری از جوانان را از نظام و گاهی از اسلام دور کرده و شیفته غرب می کند. اگر با دقت بیشتری ببینیم، شاید به این نتیجه برسیم که برخی عملکردها عملاً هزاران شعبه نامرئی مک دونالد را در ایران افتتاح کرده است.

این نوشته را با سپاسی ویژه از مسعود شجاعی به پایان می برم و امیدوارم حق گوئی، حق جویی و شجاعت او در افشاگری این رسوایی جنسی مورد حمایت جامعه ورزشی و غیر ورزشی قرار گیرد. خوشبختانه پیمان ادیبی، عضو و دبیر پیشین کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال دو روز پیش در برنامه زنده رادیو ورزش از دوران مسئولیت خود چنین گفت: «بیش از ده نوجوان از سرپرست یک تیم فوتبال شکایت کردند برای بلایی که سرشان آورده است، اما ما ابزار قانونی برای برخورد با این آدم را نداشتیم».

اگر مردان خداترس بیشتری در جامعه ورزش با خدا معامله کرده و به سخن در آیند مسئولان مربوطه ناچارند این مفسدان را پس از اثبات جرم در دادگاه، به مردم معرفی کرده و به سزای اعمال خود برسانند.

و البته این راه شیطانی و به ظاهر پرمفعت و بی خطر همواره باز است که لاپوشانی کن تا کامروا شوی.

منبع/ انتخاب

